

A Look at the Prose Style of Najib Mayel Heravi

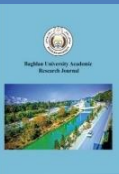
Fawzea Walizad

Department of Persian Dari, Literature Faculty, Baglan University.

Corresponding Author: Fawzea Walizad, **E-mail:** Fawzeawalizada@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Review Article	In literary terminology, style refers to the distinctive method of perceiving and expressing thoughts through the combination of words and the choice of vocabulary. The most important factor in determining a writer's literary style is the manner of expression and the use of words and phrases. This article analyzes and describes the prose style of Najib Mayel Heravi, with the overall aim of examining his works from the perspective of writing style. Heravi, one of the prominent historians and literary figures of contemporary Afghanistan, adopted a distinctive manner of writing in his works. His prose is simple and unpretentious, though in some of his writings he employs literary devices such as simile, metaphorical expressions, allusion, and vivid descriptions. Linguistically, Heravi makes use of Arabic phrases and vocabulary, synonyms and repetitions, verbs in figurative senses, ellipsis of verbs at the end of sentences based on the context of the preceding verb, as well as Quranic verses and Hadith in his texts. The content of Heravi's works encompasses various topics. It should be noted that with his beautiful and engaging style of prose, Heravi has left behind a large body of works whose diverse subject matter has played a significant role in enriching contemporary Persian prose literature and holds great importance.
Article History:	
Received: 30, July, 2025	
Accepted: 19, May, 2025	
Published: 20, August, 2025	
Keywords:	Writing style, linguistic, literary and intellectual levels, Najib Mayel Heravi, contemporary prose.

To cite this article: Walizad, F: 2025. A Look at the Prose Style of Najib Mayel Heravi
Baghlan University Academic Research Journal, Vol. 13, Issue. 2, Serial No. 37- Summer (2025), 157-173.
License: RCTD – GNJR – 0018 - 23.
Publisher: University of Baghlan



نگاهی به سبک انشای آثار نجیب مایل هروی

پوهنوال فوزیه ولی زاده

پوهنوال فوزیه ولی زاده استاد دیپارتمنت ادبیات فارسی دری، پوهنځی ادبیات.

چکیده	اطلاعات مقاله
سبک در اصطلاح ادبیات، عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ است. مهم ترین عامل در چگونگی سبک ادبی نویسنده طرز بیان و نوع استفاده از الفاظ و عبارات می باشد. در این مقاله سبک انشای نجیب مایل هروی، به شیوهی تحلیلی و توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و هدف کلی این تحقیق، تحلیل متن آثار نجیب مایل هروی از لحاظ سبک نوشتاری است. هروی که یکی از مؤرخین و ادیبان مشهور سرزمین افغانستان در دورهی معاصر است، در آثار خود طرز خاص نگارش را مد نظر داشته است. متن آثار وی ساده و بی تکلف است در برخی از آثار موصوف، برخی از ترفندهای ادبی مانند: تشبیه، عبارات استعاری، کنایه و توصیفهای زیبا به کار رفته است. از لحاظ زبانی، هروی در آثار خود برخی از عبارت ها و واژه های عربی، واژه های تکرار و مترادف، واژه های عربی، کاربرد فعل در معنای مجازی، حذف فعل از آخر جمله نظر به قرینه فعل قبلی و آیت و حدیث را در متن استفاده کرده است. محتوای آثار هروی را مسایل مختلف در بر می گیرد. باید گفت که مایل هروی با سبک انشای زیبا و دلچسپ، آثار زیادی را که محتوای آن شامل مسایل مختلف بوده و در ادبیات زبان فارسی نقش به سزایی دارد، از خود به یادگار مانده است که در غنای ادبیات معاصر نثر، نقش به سزایی داشته و از اهمیت زیادی برخوردار است.	نوع مقاله: مقاله مروری
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۸ هـ ش
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۹ هـ ش
	تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹ هـ ش
واژه های کلیدی: سبک نوشتار، سطح زبانی، ادبی و فکری، نجیب مایل هروی و نثر معاصر.	
استناد: ولی زاده، فوزیه. (۱۴۰۴)، نگاهی به سبک انشای آثار نجیب مایل هروی، مجله علمی-تحقیقی پوهنتون بغلان، شماره ۲، تابستان (۱۴۰۴)، شماره مسلسل ۳۷، دور ۱۳، (۱۵۷-۱۷۳).	
ناشر: پوهنتون بغلان.	

مقدمه

یکی از فنون ادبی فارسی که به معنای طرز خاصی از نظم و نثر است، در عرف ادب و اصطلاح به طرز ادایی اطلاق می‌شود که از لحاظ مشخصات و وجوه امتیازی که نسبت به هنرهای زیبا دارد، مورد بررسی قرار گیرد؛ و نیز روش نگارشی که به وسیله‌ی خواص ممتاز خویش مشخص باشد. سبک، به یک اثر ادبی، وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنا القا می‌کند و آن نیز به نوبه‌ی خویش، وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده در باره‌ی حقیقت می‌باشد. در ادبیات، روش یا شیوه‌ی خاص شاعر یا نویسنده که برای بیان مطالب و اندیشه‌های خویش به کار می‌برد و مشخص یک اثر ادبی، از اثر دیگر است. نوع الفاظ و ترکیبات، جمله‌بندی و طرز تعبیر معانی، مهم‌ترین عامل در چگونگی سبک یا شیوه‌ی ادبی هر شاعر یا نویسنده است. در کل می‌توان گفت که سبک ادبی، از ذهن و اندیشه‌ی نویسنده و شاعر مایه می‌گیرد و آن‌چه بدان رنگ فردی می‌دهد، نگرش و بینش هنری و واقعیت‌های عینی و سبک زنده‌گی فکری است؛ چه عملی که از نیروی خلاقه‌ی آدمی سر می‌زند، از فعالیت‌های نظری و عملی او گسسته نیست، بلکه در گرو تأثیرهایی است که از جهان بیرون می‌پذیرد و آن‌ها را به رنگ نظرگاه‌های فکری یا عاطفی خود در می‌آورد. (عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۶)

در این مقاله، سبک نوشتاری نجیب مایل هروی، مورد بررسی قرار گرفته است و اهداف این مقاله عبارت است از: ارزیابی تعریف پیرامون سبک و عناصر آن، عوامل مؤثر در بررسی سبک ادبی، توضیح مختصر در مورد نثر معاصر، شناسایی ویژه‌گی‌های نثر معاصر، ارزیابی معلومات پیرامون زنده‌گی‌نامه و آثار نجیب مایل هروی و بررسی سبک نوشتاری مایل هروی از لحاظ زبانی، ادبی و فکری. باید متذکر شد که ادبیات معاصر افغانستان، در برگیرنده‌ی شعر و نثر معاصر می‌باشد، اما در راستای نثر این دوره کارهای کم‌تری صورت گرفته است. مسلم است که معرفی و شناسایی سبک نویسنده‌گان دوره‌ی معاصر باعث روشن شدن زوایایی مختلف نثر معاصر ما می‌شود. از جمله‌ی تاریخ‌نگاران و نثرنویسان معاصر، نجیب مایل هروی است. در باره‌ی آثار هروی تحقیقاتی صورت نگرفته و یا اگر تحقیقاتی صورت گرفته باشد، برای محقق این مقاله قابل دریافت نبوده است. بناً تحقیق در مورد چگونگی سبک نوشتاری نجیب مایل هروی، خالی از اهمیت نبوده و ایجاب می‌کند که در این راستا تحقیقات بیش‌تری صورت گیرد. قابل تذکر است که این سوال‌ها برای انجام این تحقیق مطرح شده است: متن نوشتاری نجیب مایل هروی از لحاظ زبانی دارای کدام ویژه‌گی است؟ آیا در متن نوشتاری هروی، ترفندهای ادبی به کار برده شده است یا خیر؟ محتوای

متن نوشتاری هروی دربرگیرنده‌ی کدام مفاهیم و مسایل می‌باشد؟ از این که در تحقیق سبک انشای مایل هروی، به کتاب‌های موصوف و سایر مواد و مقاله‌ها در این مورد ضرورت است، بناً این تحقیق کتاب‌خانه‌یی یا توصیفی و تحلیلی بوده و غرض دریافت مواد به سافت و هارد کتاب‌های مرتبط در این زمینه مراجعه شده است.

سبک چیست؟

در باره‌ی تعریف سبک، محمد تقی بهار در مقدمه سبک‌شناسی چنین نگاشته اند که «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر می‌باشد. سبک به یک اثر ادبی وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنا القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده و یا نویسنده در باره‌ی حقیقت می‌باشد، بناً سبک به معنای عام خود، عبارت از تحقق ادبی یک‌نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش، یعنی اثر منظوم یا منثور را مشخص می‌سازد.» (بهار، ۱۳۴۹: ج ۱) در مورد سبک ادبی رهیاب چنین نگاشته است: «سبک ادبی شیوه‌یی است که شاعر و نویسنده در پرداختن و نوشتن دارد، برخی این شیوه را در اثر مطالعه و جست‌وجو در دیوان‌ها و مجموعه‌های شاعران و نویسندگان، در سال‌های نخستین کار آفرینشی خود به دست می‌آورند، مگر بسیاری از آنان، شیوه‌ی نویسنده‌گی و سرایش خود را در جریان سال‌های متمادی نوشتن و سرودن، تکامل و گسترش می‌دهند.» (رهیاب، ۱۳۹۴: ۴۲) به همین منوال عبادیان نیز در تعریف سبک چنین نگاشته است: «سبک در اصطلاح ادبیات، عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است.» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۵)

عناصر سبک

تمامی وسایل زبانی استعداد آن را دارند که از لحاظ سبکی پذیرای نقش شوند. این کیفیت را زمانی می‌یابند که به مرتبه‌ی سخن اعتلا یابند؛ چه تا هنگامی که عنصر سیستم زبانی اند، فاقد ارزش بار سبکی اند. تنها زمانی در خور کیفیت سبکی می‌شوند که در متن سخن حامل نقش دگرواره‌های آزاد باشند. چنان‌چه همه‌ی وسایل زبانی ابتدا به ساکن به عنوان وسیله‌ی سبکی تلقی شوند، آن‌گاه تفاوت سخن و سبک سخن از میان خواهد رفت. تنها عناصری در سخن مناسب سبکی می‌یابند که نویسنده در گزینش و کاربردشان مختار باشد. این عناصر زبانی استند که سبک متن سخن را می‌سازند و آن‌ها را «عناصر سبکی» اطلاق می‌کنیم. شاخصه‌های سبکی یا عناصر

سبکی، خردترین اجزای تشکیل دهنده‌ی سبک اند؛ و حکم ذراتی را دارند که در بنای سبک به کار می‌روند. این عناصر همانا به سبب خردی و قابلیت ترکیب خود، امکان می‌دهند در ساختمان هر گونه سخنی انباز شوند، تا نویسنده از آن‌ها در موردی خاص بهره گیرد و یک وضعیت امر را به قالب سخن ابراز کند. از نظر زبانی، عناصر بنای سبک اند با در دست بودن این عناصر، عمده آن خواهد بود که بتوان به نسبت‌های بارزی دست یافت که ناظر بر عناصر سبکی مختلف به کار رفته در یک متن سخن است. (عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۰ - ۴۲)

عوامل مؤثر در بررسی سبک متون ادبی

برای تحلیل و تجزیه‌ی متون ادبی، به روشی لازم است؛ تا متن را به طور ساده مورد بررسی قرار دهد. یکی از ساده‌ترین و عملی‌ترین راه‌ها این است که متن از سه دیدگاه، زبانی، فکری و ادبی مورد دقت قرار داده شود، تا بدین وسیله به اجزای تشکیل یافته متن، دسترسی حاصل گردد. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳)

۱- سطح زبانی

در این مبحث، سخن از هنر زبانی و بیانی است که «هر نویسنده آن را به گونه‌ی مختص و ویژه به نمایش می‌گذارد. بیان واژه‌گان، به‌گزینی آن‌ها، چینش و سامان‌دهی آنان در جمله‌ها و بیان کردن آواها و تک‌واژه‌ها، واژه‌گان و گروه‌ها در هر نثری، محصول هنر نویسنده و خالق اثر است.» (طهماسبی و مظفری، ۱۳۸۵: ۱۷۸) تحلیل ادبی مستلزم خوانش و تفسیر واژه‌های خاصی است که در متن به کار برده شده اند، مقصد از خوانش نه فقط فهمیدن معنای سطحی جملات، بلکه همچنین درک معانی مستتر در لایه‌های عمیق‌تر متن و پیوندهای آن لایه‌ها است. (پاینده، ۱۳۹۶: ۶۷) مطالعه‌ی سطح زبانی مقوله‌ی گسترده‌ی است، به این لحاظ، آن را به سه سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌کنیم.

الف- سطح آوایی: به این سطح می‌توان موسیقایی متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی‌آفرین بررسی می‌کنیم. موسیقی درونی متن به وسیله‌ی صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع سجع، انواع جناس و تکرار به وجود می‌آید. علاوه بر این‌ها، مسایل کلی مربوط به تلفظ نیز در این قسمت مورد دقت قرار می‌گیرد و برخی از سبک‌شناسان به انواع هجاها و نوع اتصال و چند هجایی بودن کلمات نیز توجه دارند.

ب- **سطح لغوی:** ملاحظه و بررسی درصد لغات فارسی و عربی، لغات بیگانه مانند لغات ترکی، کهن‌گرایی، سره‌نویسی، اسامی بسیط یا مرکب، اسم معنا یا ذات، حروف اضافه‌ی بسیط یا مرکب، نوع‌گزینش واژه با توجه به محور جانشینی، وسعت یا قلت واژه‌گان، مترادف و نوع صفت.

ج- **سطح نحوی:** بررسی جمله از نظر محور هم‌نشینی و دقت در ساخت‌های غیر متعارف، کوتاه یا بلند بودن جملات، کاربردهای کهن دستوری، آوردن حروف اضافه، مفعول و علامت آن، صرفه جویی در آوردن را، فعل ماضی با «ب» آغازی، فعل مضارع، فعل امر، وجوه کهن ماضی استمراری، افعال پیشوندی، افعال مرکب و کاربردهای خاص ضمائر. گاهی سیاق عبارات و طرز جمله‌بندی و به عبارت دیگر نحوه‌ی بیان مطلب به لحاظ جمله‌بندی جلب توجه می‌کند و به نوشته تا حدی وجهی سبکی می‌دهد. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳-۱۵۴)

۲- سطح ادبی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارند. در ادبیات شعری، ادبیت متن و عبور از زبان به ادبیات از رهگذر کاربرد شگردهای بلاغی به ویژه زبان مجازی صورت می‌گیرد. شگردهای بلاغی و صناعات ادبی را تمهیدات سبکی نیز می‌نامند. تمهیدات سبکی هم در آفرینش متن خلاقه کار آمد هستند و هم به فرایند خوانش و تحلیل متن یاری می‌رسانند. سبک هر سخن بر اساس فراوانی کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ی پیدا می‌کند. طور مثال، کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد و بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند. بر این پایه می‌توان شگردهای بلاغی به کار رفته در سخن را بازشناسی کرد و مبنایی برای نام‌گذاری سبک‌ها قرار داد. سبک‌ها را بر اساس نوع صناعات می‌توان با صفاتی ایهامی، تشبیهی، مجازی، کنایی، استعاری، تمثیلی، معماپرداز، نمادین و متناقض‌نما نام گذاری کرد. هر یک از آرایه‌های بلاغی به نوبه‌ی خود گونه‌هایی مختلفی دارد که سرشت و ماهیت صوری و محتوایی سبک را متمایز می‌کند. (فتوحی، ۱۳۴۳: ۳۰۴)

۳- سطح فکری یا ایدئولوژی

زبان در سطوح متفاوت، حامل ایدئولوژی است و به آن شکل می‌دهد و از آن سو از آن شکل می‌گیرد. ایدئولوژی یا مفکوره در نوشتار و گفتار هرگوینده‌ی نگرش شخصی و ذهنیت هستی‌شناختی، ارزش‌ها، تلقی‌ها، باورها، احساسات و پیش‌داوری‌های زمانه‌ی وی، به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه نمودار می‌شود. از این رو شکل‌های کنش و واکنش کلامی با ویژه‌گی‌های یک

وضعیت اجتماعی و فکری مشخص، پیوند تنگاتنگی دارد. مفکوره نویسنده در سطوح مختلف سبک و کلام (نظام‌های آوایی، واژه‌گانی، نحوی و بلاغی) نمود می‌یابد. ساختارها و رخدادهای کلامی، اساساً ماهیت گفتمانی و ایدئولوژیک داشته و به طور غیر مستقیم، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، نهادهای آموزش و پرورش و... را در خود جای می‌دهند. (همان: ۳۴۵)

نثر معاصر

نثر معاصر افغانستان بعد از نشریه سراج الاخبار، تغییرات زیادی را پذیرا گردید. در چگونگی نثر معاصر و ساده شدن نثر، جریده سراج الاخبار به اهتمام محمود طرزی، نقش به سزایی داشته است، قبل از بنیادشدن این روزنامه، در نثر، سجع و کلمه‌های مترادف برای زیبا ساختن کلام به کار می‌رفت و بسا اوقات نویسنده چنان غرق آرایش کلمات می‌شد که هدف اصلی و پیام مضمون، پنهان می‌ماند؛ اما با نشر سراج الاخبار، نثر روزنامه نگاری از کشور های اروپایی وارد افغانستان شد. طرزی می‌خواست ادبیات آن وقت را که می‌توان «هنر برای هنر» تلقی می‌شد، به ادبیات «هنر در خدمت مردم» تبدیل کند، تا آن که توانست نثر ساده و عاری از تکلف را در دوره‌ی معاصر مروج سازد. (شجاعی، ۱۳۸۵: ۱۱۴) در باره‌ی شیوه‌های سبک نثر در دوره‌ی معاصر انوشه و همکاران وی چنین نگاشته اند که «نثر دوره‌ی معاصر شامل این شیوه‌های از سبک می‌باشد: ۱- نثر داستانی. ۲- نثر روزنامه‌یی، نثری است که در طول حیات خود دچار تحول ساختاری و بنیادی شده است. نثر روزنامه‌یی در آغاز پدید آمدن، نثر سنگین، پر تعارف و اطناب بود، اما از سال (۱۳۳۰) به بعد این سو نشریات متعددی به بازار آمد که مخاطب آن‌ها عموم مردم بود و نثر ساده و نزدیک به محاوره گردید. ۳- نثر علمی، نثری دقیق و جدی است که نویسنده اطلاعات دقیق را با زبان بدون زواید بیانی و به دور از لفظ‌پردازی در اختیار خواننده بگذارد. قابل ذکر است که نثر روزنامه‌یی به انواع نثر فلسفی، نثر روانشناسی و جامعه‌شناسی، نثر تاریخی و نثر پژوهش‌های ادبی تقسیم می‌شود.» (انوشه و همکاران، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۰۱-۸۰۲)

ویژه‌گی‌های سبک نثر معاصر

ویژه‌گی‌های سبک نثر معاصر عبارت اند از: ۱- ورود واژه‌های اروپایی. ۲- به کارنبردن واژه‌های قدیمی فارسی. ۳- مطابقت صفت و موصوف. ۴- تأثیر زبان ترکی. ۵- کاربرد واژه‌ها، تعبیرها و اصطلاحات عامیانه. ۶- ایجاز در بیان. ۷- بی‌توجهی به صنایع معنوی تزئینی. ۸- حذف بسیاری از

مترادفها. ۹- ورود اندیشه‌های نو، چون: آزادی، وطن و قانون. ۱۰- مردمی شدن ادبیات. ۱۱- رواج فکر انتقادی. ۱۲- رواج روزنامه نویسی. (انوشه، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۰۱) به همین منوال کهدویی در تاریخ ادبیات افغانستان در اوار قدیم، در رابطه به دوره‌ی چهارم نثر فارسی می‌نگارد که «مختصات این دوره چندان بارز نیست و آن‌چه مشهود است، ساده‌گی لفظ و معنا، ترجمه آثار زبان‌های بیگانه خصوصا اروپایی، ورود برخی از لغت‌های غربی و شیوع جریده‌نگاری و روزنامه‌نویسی می‌باشد.» (کهدویی، ۱۳۸۴: ۵۷۱)

معرفی نجیب مایل هروی

نجیب مایل هروی، فرزند استاد رضا مایل هروی در سال (۱۳۲۹ ش.) در هرات افغانستان چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر کابل به پایان رساند. پس از اتمام تحصیل، در سال (۱۳۴۹ ش.) در انجمن تاریخ کابل به امور فرهنگی مشغول شد و در آن زمان بیشترین آموزش در نسخه‌شناسی را از محضر پدرش فراگرفت، سپس در سال (۱۳۵۰ ش.) برای ادامه‌ی تحصیل عازم ایران شد. در سال (۱۳۵۰) در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به تحصیل شد و از سال (۱۳۵۷ الی ۱۳۶۰) نیز به فهرست برداری در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی اشتغال ورزید. از سال (۱۳۶۰) در تهران شروع به کارهای تحقیقاتی کرد، اما زمانی که بنیاد پژوهش‌های اسلامی تأسیس شد، در سال (۱۳۶۵) به این بنیاد پیوست و به پژوهش در زمینه‌ی نسخه‌شناسی پرداخت. این همکاری در زمینه‌ی نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی و تصحیح متون و تدریس در همین زمینه‌ها سال‌ها ادامه داشت. وی در حدود پانزده سال به تدریس، مطالعات و پژوهش‌های ادبی خود در بنیاد پژوهش‌های اسلامی ادامه داد و در طی این مدت، ضمن تسلط به ادبیات کلاسیک، از نوادر شخصیت‌های زمان خود بود. در زمینه‌ی آثار مایل هروی، باید گفت که از موصوف بیش از پنجاه مقاله علمی در نشریات مختلف به چاپ رسیده است، آثار هروی در زمینه‌ی تألیف، تحقیق، تصحیح متون و امثالهم بسیار است که به تعدادی از آن اشاره می‌شود:

- برگ بی‌برگی، یادنامه استاد رضا مایل (۱۳۸۵ ش.).
- این برگ‌های پیر (مجموعه بیست اثر چاپ نشده فارسی از قلمرو تصوف).
- مذكر احباب (۱۳۷۷ ش.).
- مقامات جامی، گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان (۱۳۸۳ ش.).

- ترجمه‌ی حقیقت‌الحقایق، محمد بن علی ابن عربی (۱۳۸۵).
- در شبستان عرفان، مجموعه رسائل فارسی از پیران ایران.
- ترجمه‌ی معرفت رجال‌الغیب و معرفت عالم اکبر و عالم اصغر، محمد بن علی ابن عربی.
- ترجمه‌ی ادبیات ده‌گانه محمد بن علی ابن عربی (۱۳۸۵).

بررسی نثر مایل هروی

بررسی جنبه‌ی زبانی

طوری که یادآور شدیم بررسی زبانی در برگزیده‌ی بررسی واژه‌گانی، نحوی و آوایی و چگونه‌گی تنظیم آن‌ها در نثر هنرمند و نویسنده می‌باشد، بناً نجیب مایل هروی نیز شیوه‌ی برگزینی خاصی را در متون آثار خود به کار برده است که برخی از یافته‌ها را به بررسی می‌گیریم.

۱- تکرار واج

در این قسمتی از متن واج (ت) به صورت تکرار ذکر شده است: « برای ترسیم کردن و تقدیر کردن دقیق حد ثغر تفکر و تمدن ایرانی و اسلامی- چه در شرق و چه در غرب- ناگزیریم که فهرست تراجم آثار فارسی را به زبان‌های دیگر فراهم آوریم.» (هروی، ۱۳۷۸: ۷۸)

۲- استفاده از واژه / اندر / در متن

استعمال پیشینه‌ی / اندر / به جای / در / از ویژه‌گی‌های نثر قرن چهارم است که هروی در داستان سیاه مو و جلالی آن را به کار برده است.

- در نیمه شبی که همه به خواب اندر بودند، روزنه روشن گردید. (هروی، بی‌تا: ۳)
- پای پهلوانان و زورمندان در سنگ‌های آن جا نقش بدیع گرفته و عوام را به حیرت اندر ساخته است. (همان: ۲۸)

۳- استعمال های غیر ملفوظ در آخر فعل

در آخر فعل‌های ماضی، های غیر ملفوظ به کار برده شده که شیوه‌ی خاصی را در متن نشان می‌دهد؛ مانند: کوچانیده، سوزانیده، نگاه‌داشته، گرفته و کشته.

۴-آوردن اعداد ترتیبی به شیوهی قدیم

- نسخه‌های خطی فارسی که در فاصله‌ی چهارصد و اندی سال، یعنی بین سده‌های... (هروی، ۱۳۷۳: ۳۲۱)
- در نقد و تصحیح نگارش‌هایی که از قلمرو متون ادبی خارج اند، مصحح با دو نکته سروکار دارد: یکی صورت و ساخت زبان اثر، دو دیگر معنای آن (همان: ۴۶۶)

۵-تکرار برخی از واژه‌ها

موضوع یک ضرورت فرهنگی است و جامعه‌ی ایرانی، و هم جامعه‌ی فارسی‌زبان به لحاظ شناخت و شناسایی تاریخ تفکر و تمدن خویش و یافتن موقعیت خویش در قلمرو فرهنگ بشری ناگزیر است که به آن بپردازد تا خود از یک‌سوی به فرهنگ ترجمه و سیاست ترجمه در فرهنگ خویش دست یابد و از دیگر سوی خاستگاه یا خاستگاه‌های پاره‌یی از تفکر فرهنگی را در ادوار تاریخ فرهنگ خویش بازشناسد و هم جایگاه تفکر فرهنگی خویش را در اقلیم فکر و فرهنگ بشر باز نماید. (هروی، ۱۳۷۸: ۷۸)

۶-واژه‌های مترادف

واژه‌های مترادف در متن مایل هروی به کار رفته است: اطراف و اکناف، پایه‌داری و ماندگاری، موفق و فیروز... (همان)

۷-واژه‌های عربی

برخی از کلمه‌های عربی که مایل هروی در متن به کار برده است: مصلائی، استشعار، اولاد و احفاد، شدت و حدت، طلسمات، اسطرلاب و مغیبات، مذعن، بلاد و امصار، ارتحال، حرب، ضرب و استغلال (هروی، ۱۳۷۱)

۸-کاربرد فعل در معنای مجازی

فعل شکست در معنای مجازی به کار برده شده است: «سیاه مو تبسمی در لب شکست.» (هروی، بی‌تا: ۴) در این جمله تبسم در لب شکستن به معنای تبسم روی لبان آوردن است.

۹-عبارات عربی

مایل هروی، برخی از عبارت‌های عربی را به کار برده است که عبارت اند از: لمن الملکی، دائم‌الحین، لطایف‌الحیل، اقطاع تملیک، مقسط‌الرأس، حتی‌المقدور، قوی‌الشکلیه، خسافت عقل، متفرعات و

متعلقات، کاتبان مَشْکُول و مضبوط، جامع‌الحکمتین، جامع‌الاعلاط و حتی‌المقدور. (هروی، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳)

۱۰- عبارات استعاری

از داستان لیتان برخی از عبارت‌های استعاری را ذکر می‌کنیم: رنگ مهتابی، لب لعل، دیگ دل، سنگ ملامت، دامن افق، کوچه‌ی دل، بوی عشق و آسمان خیال. (هروی، بی تا)

۱۱- حذف فعل، از اخیر جمله‌ها به قرینه

- این بار روح شاینده‌ی مذهبی را در مردم نابود کردند و مذموم. (هروی، ۱۳۷۱: ۲۱)
- یاد حسنگ را در تاریخ معاصر، تازه کرد و فروزنده. (همان: ۳۶)
- در افغانستان مذهبی را به وسیله‌ی مذهب دیگر ناتوان کنند و خوار. (۳۶)
- همان دسته است که تار و پود درخت را قطع می‌کنند و همان موارد به مثبت سرنخی است در دست استعمارگر. (۳۷)
- دست غرض‌ورزان و سود طلبان را نباید کوتاه انگاشت و بی اثر. (۳۶)
- همه چیز غرب موغوب و دل‌انگیز بود و همه چیز شرق مردود و نفرت‌انگیز. (۴۱)
- باشندگان یک منطقه را در مواضع چندگانه محدود کرده است و محصور. (۶۴)
- به نشر جریده‌یی پرداخت به نام سراج الاخبار افغانیه، و با این نام اسم جریده را منسوب کرد به خانواده دربار، اما با وجود این مردی بود امیدوار کننده در تاریخ معاصر افغانستان. (۱۴۶)
- جامی بیش از آن‌که بینش شاعری داشته باشد و یا از سوز عرفانی بهره‌مند باشد، کتاب‌شناس است و محقق. (هروی، ۱۳۷۸: ۸۳)
- آثار سهروردی به جهت اشتمال بر دقایق و نکات نازک عرفانی و از نظرگاه مطالعات و تحقیقات تاریخ تصوف اسلامی، گنجینه‌یی است گران‌بها و ارزنده و نیز هم متنوع و گوناگون. (همان: ۱۶۴)
- سبب درگیری‌ها و برخوردهایی میان پیروانش با جلال‌الدین میرانشاه فرزند امیر تیمور شده بود، دستگیر شده و کشته و پس سوزانیده. (هروی، ۱۳۷۳: ۱۰)

۱۲- برخی جمله‌ها به شیوه‌ی متون قبلی

... میان معنی و صورت به طرزی جمع می‌کند که چونان پیوند جان و تن، هماره چونان معمای ناگشودنی می‌ماند و خوانندگان در هر زمانی و مکانی به هوای گشودن آن معما بر می‌خیزند. (هروی، ۱۳۷۳: ۴۶۶)

۱۳- آوردن آیت و حدیث در متن

(اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) [سوره العلق ۹۶، آیت ۱]

ترجمه: بخوان به نام پرودگارت که آفرید.

۱۴- ذکر حدیث پیامبر اسلام

از پیامبر اسلام روایاتی به فرهنگ اسلامی ارزانی شده که در آن‌ها، دقیقاً بر نوشتن و خواندن و علم ورزیدن تأکید شده است، تا جایی که روایت کرده اند: اگر از «مؤمن» یک ورق «نوشته» بر جای ماند، روز رستاخیز همان برگ، بین او و آتش جهنم حاجب و حایل خواهد شد. (هروی، ۱۳۷۳: ۲۷)

۱۵- نمونه‌ی از متن ساده

زبان دیرپای فارسی، همانند همه‌ی زبان‌های دیگر از یک جهت دارای دو گونه‌ی ادبی می‌باشد: یکی گونه‌ی زبان شعر و دیگری گونه‌ی زبانی نثر. گونه‌ی شعر اگر چند که نقش ارتباطی را در بر دارد، نیز بار نقش زیبایی زبان را بر دوش می‌کشد، و این نقش ثانوی موجب می‌آید که منطق گونه‌ی عادی یا گونه‌ی نثر در گونه‌ی شعر دیده نشود. این مسأله منبعث از بی‌نظمی گونه‌ی زبانی شعر نیست. چرا که گونه‌ی زبانی شعر فارسی از ساخت‌های دستوری خاص خود متابعت می‌کند، مانند گونه‌ی شعری هر زبان دیگر. این نکته خصوصاً در گونه‌ی زبانی شعر فارسی حائز اهمیت است. (هروی، ۱۳۷۱: ۷۷)

بررسی جنبه‌ی ادبی متن

زیر لایه‌ی بزرگ‌تری که ساختار متن را تشکیل می‌دهد، زبان صناعی قرار دارد که کاربردهای وسیع آن مؤجد برداشت‌های زیباشناختی در سطح جمله در نثر و بیت می‌شود. برخلاف زبان غیر صناعی که واژه‌ها در آن صرفاً به معنای غیر مجازی به کار می‌رود. زبان صناعی با آشنایی‌زدایی از کلمات و آگنده کردن‌شان از معانی اضافه، دایره‌ی تأثیر آن‌ها را گسترده‌تر می‌کند. (کوش، ۱۳۹۶: ۹۴)

برخی از صنایع بیانی را که مایل هروی، در متن به کار برده و در زیبایی آن افزوده است، در این جا به بررسی می‌گیریم.

۱-تشبیه

تشبیه از راه قیاس معنا آفرینی می‌کند، در این صنعت ادبی دو چیز نا مرتبط با استفاده از کلمه‌یی «همچون، مثل، چون، به سان و یا ...» به نحو واضح‌تری به هم مقایسه می‌شوند. (کوش، ۱۳۹۶: ۹۷) از زیبایی‌های ادبی که در نثر نجیب مایل هروی به کار رفته است، ترفند تشبیه است. در این جا تشبیه را در داستان سیاه موی و جلالی را به بررسی می‌گیریم.

- «در آغاز بازدید لب بامی سیاه‌مو، چون ماه تمامی در برابر جلالی طلوع کرد. این طلوعه پر ماجرای بود که می‌توانست بیداد محبت را پیدا سازد.» (هروی، بی‌تا: ص. ۲)

- روزی در باغستانی دو دل‌داده چون گل و شبنم روبه رو شدند، جلالی از بی‌سرانجامی و شیدایی سر از پا نشناخت، سیاه مو تبسمی در لب شکست. «(همان: ۴)

- لیتان به کردار آهوان روی گردانید، تبسمی را به چشم ملنگ زد، باز ملنگ چون سیل احساسات خود را فروریخت. (۲۰)

- چشمان ملنگ بر چشم برادرش خیره ماند، آهی کشید و صفحه‌ی دل را ورق زده زار زار گریست. (ص. ۱۴)

- ناگهان لیتان چون نگین انگشتی در حلقه‌ی دخترکان ده به چشم ملنگ سبز شد. (۱۴)

- لیتان یک دوشیزه‌ی آشوب‌گر دعوایی، تا نه سال چو غنچه در شاخسار بماند. (۲۳)

در اثر زبان و تاریخ، مایل هروی با تشبیه‌های متفاوت نسبت به تشبیه «گل به رخسار و قد به سرو بلند» متن را مزین ساخته است، مانند تشبیه ادبیات و فرهنگ به نردبان و یا تشبیه فرهنگ به درخت استوار که ریشه آن قابل خشکیدن نباشد و تشبیه شکوه و جلال فرهنگ و اسلامیت مردم ما به سایه‌ی این درختی که مردم در زیر آن در امن و رفاه به سر می‌برند.

- زبان و ادبیات و فرهنگ همچون نردبانی است که اگر پلکان زیرین آن استوارتر باشد، پله‌های فرازین آن نیز مستحکم‌تر خواهد بود. (هروی، ۱۳۷۱: ۱۳۶)

- پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی و یکتاپرستی مردم افغانستان بس طولانی است و نیز ارزشمند، همچون انبوه درختی که ریشه به آب رسانیده و شاخ‌های سبزینه‌اش سایه‌ساری گوارا ایجاد کرده،

که نشستن به زیر آن مایه‌ی شکوه و جلال آن ملت است و دست‌مایه‌ی تکامل و تمدن بنیادی وی.
(همان: ۲۴)

۲-توصیف - وصف ساده و بی‌هیچ گونه پیرایه‌ی لفظی و ظرافت تعبیر و لطف تخیل و بیان موصوف به گونه‌یی که هست، خالی از هرگونه مبالغه و اغراق بیان می‌شود. (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۵۲) توصیف پدیده‌ها، شخصیت‌های داستانی، طبیعت، شهرها، روستاها، حالات و ظواهر آدم‌ها در نثر نوین عینی، کوتاه و مشخص است. (مهرورز، ۱۳۸۰: ۵۷)

جلالی آشفته روزگار از درد و داغ پیشین مُرد، سیاه‌موی را سیه روزی فرا گرفت. زلفان تابیده‌اش بر رخسارش آویخت، مژگان سایه‌دارش به هم افتاد، نعل جلالی با کاروان اشک سیاه موی تا خواب‌گاه جلالی همراه رفت. (هروی، بی‌تا: ۴)

۳-کنایه - در این ترفند، سخنور به جای آن‌که اندیشه‌ی خود را آشکارا و یک‌باره در سخن بگنجاند، و به روشنی بازنماید، آن را به شیوه‌ی پوشیده و وابسته در سخن می‌آورد. ارزش زیباشناختی کنایه در آن است که سخن‌دوست، با درنگ و تلاش ذهنی سرانجام به معنای پوشیده در کنایه دست می‌یابد. (کزازی، ۱۳۹۱: ۱۵) در داستان لیتان، مایل هروی جملات بسیار ساده و زیبا را به کار برده است، طوری که در این قسمتی از متن کنایه به کار رفته است:

- محمد رسول پسر کاکای لیتان از دوره‌ی سربازی فارغ شد، ملنگ دست به دامن او انداخت، تا گره زنده‌گی‌اش به ناخن او باز شود. (هروی، بی‌تا: ۲۲)

- برای این کار کمیل انگلیسی، پوستین اسلام پوشید. (هروی، ۱۳۷۱: ۲۶)

- امیر گوسفندمندانه به ویران کردن آن شتافت. (همان: ۲۶)

- هر گونه انتظاری در حکم آب در هاون کوبیدن نیست؟ (همان: ۳۰)

۴-سجع - آرایه‌های برونی بیشتر پیکره‌ی سخن را زیبا می‌گرداند و صدای درونی و بافت آوایی آهنگین را در آن می‌گستراند. یکی از این آرایه‌ها سجع است که دو واژه، به گونه‌یی در ریخت و ساختار آوایی باهم پیوند داشته باشد. (کزازی، ۱۳۷۳: ۴۲) نثر معاصر به طور عموم ساده و بدون زیبایی‌های بدیعی و بیانی می‌باشد، در یکی از آثار هروی، آرایه‌ی سجع به کار برده شده است که آن را نقل می‌کنیم.

- دید دختری را اندوه پیچیده و با دخترکان دیگر حلقه بسته، کلاه می‌دوزد، بی اختیار ناله‌هایش چون شهاب از آسمان دلش شراره بسته. (هروی، بی‌تا: ۲۲)

- زبان فارسی این جریده بدون شک زبانی بود، سخته و سنجیده، شاینده است که نویسنده امروزینه افغانستان از آن عبرت گیرد. (هروی، ۱۳۷۱: ۳۲)

بررسی فکری

آثار نجیب مایل هروی از لحاظ فکری، موارد مختلفی را در بر می‌گرفته و بیشتر آثار موصوف، دارای محتوای اجتماعی است. چنانچه در آثار بررسی شده خاطر نشان گردید، داستان‌های دارنده‌ی محتوای اجتماعی، مطالب علمی در رابطه به زبان و تاریخ، موضوعات عرفانی، دینی و ادبی را شامل می‌گردد. قابل ذکر است که آثار مایل هروی شامل مسایل دوره‌ی معاصر و در برگیرنده حالات و اندیشه‌های جدید می‌باشد. موصوف که پژوهش‌گر تاریخ است، با بسیار مهارت نکات مهم تاریخی را در قالب کتاب‌های درخور ارزش، بیان کرده است که هرکدام آن آثار، به گنجینه‌ی زبان، ادبیات و تاریخ افغانستان افزوده است.

مناقشه

تحقیق روی مسایل علمی و ادبی باعث افزایش دانش در علوم ادبی گردیده و نکات ارزنده‌ی را برجسته می‌سازد. در باره شخصیت نجیب مایل هروی می‌توان گفت که موصوف، یکی از شخصیت‌های سرشناس در تاریخ ادبیات فارسی دری افغانستان بوده و آثار زیادی را از خود به یادگار مانده است. هروی در ایام جوانی، بعد از اتمام تحصیل، در انجمن تاریخ کابل به امور فرهنگی مشغول شد و بعد از آموزش نسخه‌شناسی، کارهای تحقیقاتی را در زمینه‌ی نسخه‌شناسی پرداخت و نیز در عرصه کتاب‌شناسی، تصحیح متون و تدریس در کشور ایران سال‌ها فعالیت را ادامه داد. نتایج کارهای تحقیقی و علمی نجیب مایل هروی، در عرصه‌ی ادبی، فرهنگی و تاریخی کشورما خیلی با ارزش و ارزنده بوده است که نتایج آن در یک مقاله علمی خلاصه نمی‌شود. آثار مایل هروی، سبک خودش را دارد، در این آثار بر علاوه‌ی ساده نویسی، از شیوه‌های متفاوت نثرنویسی مانند استفاده از عبارت‌های زیبای استعاری، تشبیه‌های ساده، کنایه که در ادبیات جایگاه خاصی را دارد و برخی از ترفندهای دیگر استفاده کرده است. متن داستان‌های سیاه موی و جلالی، لیتان و مریم، با متن‌های قرن‌های قبل شباهت نزدیکی دارد، چون در ضمن بیان عادی داستان، از ترفندهای ادبی غرض جالب ساختن متن استفاده شده است. نشر علمی هروی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، این متن شیوا و عام فهم نگارش یافته و مطالب علمی به طور واضح برای خواننده

بیان شده است. در متن تاریخی موصوف رسایی صدای تاریخ نویس احساس می‌شود، گویا هروی از بیان حقایق و واقعات سرزمین ما از واقعیت گویی چشم‌پوشی نکرده و آن را در خلال کلام ساده و عام‌فهم برای مردم جامعه‌ی خود بیان کرده است. در کل باید گفت که شیوه‌ی نگارش آثار هروی، ساده و واضح و عام‌فهم است که خواننده را برای خواندن کتاب ترغیب و تشویق می‌کند، اما در قسمت‌های از آثارش، شیوه‌های نگارش دوره‌های قبل نیز دیده می‌شود، با آن‌هم نثر نوشتاری هروی دلچسپ بوده و از خسته‌گی خواننده می‌کاهد.

نتیجه‌گیری

تحقیق روی آثار مایل هروی، نتایجی را که در قبال داشته است به طور فشرده به آن می‌پردازیم. در رابطه به تعریف سبک باید گفت که سبک در اصطلاح ادبیات، عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله‌ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است. سبک در ذهن و اندیشه‌ی نویسنده مایه می‌گیرد و نگرش و بینش هنری و واقعیت‌های عینی و روش زنده‌گی نویسنده، به سبک وی رنگ می‌دهد. همچنین باید گفت که سبک انشای نویسنده‌گان را از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری می‌توان مورد دقت قرار داد. در این مقاله سبک انشای یکی از مؤرخین و نویسنده‌گان افغانستان، نجیب مایل هروی مورد بررسی قرار گرفت. موصوف در شهر هرات چشم به جهان باز کرده و بعد از اتمام تحصیلات در کابل، برای ادامه تحصیل وارد ایران شد و بعد آثار و مقالات زیادی را به نشر رساند. مایل هروی در سال (۱۳۶۰) یعنی در عصر کنونی به کارهای تحقیقی آغاز کرد. اما متن آثار وی ساده و بی تکلف است، در برخی از آثار وی برعکس ویژه‌گی‌های نثر معاصر، برخی از ترفندهای ادبی مانند: تشبیه، عبارات استعاری، کنایه و توصیف‌های زیبا به کار رفته است. از لحاظ زبانی، هروی در کنار نثر ساده امروزی، برخی از عبارت‌ها و واژه‌های عربی، آوردن واج به صورت تکرار، استفاده از واژه / اندر/ آوردن اعداد ترتیبی به شیوه‌ی متون قدیم، آوردن برخی از واژه‌ها به صورت تکرار، واژه‌های مترادف، واژه‌های عربی، کاربرد فعل در معنای مجازی، حذف فعل از آخر جمله نظر به قرینه فعل قبلی، آوردن آیت و حدیث و متن ساده بدون حشو و زواید را در متن استفاده کرده است، حذف فعل که از ویژه‌گی‌های نثر معاصر نیست، در گوشه‌های متن هروی دیده می‌شود. محتوای آثار هروی را مسایل مختلف در بر می‌گیرد. در کل باید گفت که نثر موصوف، ساده و دلچسپ بوده و خواننده را به خواندن متن ترغیب می‌کند.

فهرست منابع

- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی (اصطلاحات، موضوعات و مضامین ادب فارسی). چاپ دوم، جلد دوم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، محمد تقی. (۱۳۴۹). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی. جلد اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- خطیبی، حسن. (۱۳۶۶). فن نثر در ادب پارسی. تهران: انتشارات زوار.
- رهیاب، محمد ناصر. (۱۳۹۴). سبک و سبک‌شناسی. هرات: مؤسسه‌ی نشراتی احراری.
- شجاعی، سیداسحق (۱۳۸۵). میراث شهرزاد در افغانستان (گزیده‌ی داستانهای کوتاه افغانستان). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوس.
- طهماسبی، فریدون و مظفری، سولماز. (بهار ۱۳۹۵). سبک‌شناسی نفثه‌المصدور زیدری نسوی. فنون ادبی (علمی-پژوهشی). سال هشتم، شماره ۱، (پیاپی ۱۴).
- عبادیان، محمود. (۱۳۷۲). در آمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات. چاپ دوم. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات آوای نور.
- فتوحی، محمود. (۱۳۴۳). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن.
- کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۷۳). زیباشناسی سخن پارسی (بدیع) جلد سوم. تهران: نشر کتاب ماد.
- کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۹۱). زیباشناسی سخن پارسی (بیان) جلد اول. تهران: نشر کتاب ماد.
- کوش، سلینا. (۱۳۹۶). اصول و مبانی تحلیل متون ادبی. ترجمه‌ی حسین پاینده. تهران: انتشارات مروارید.
- کهدویی، محمد کاظم. (۱۳۸۴). ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه (برگرفته از جلد سوم آریانا). تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- مهرورز، ذکریا. (زمستان ۱۳۸۰). سبک‌شناسی نثر داستانی معاصر. آموزش زبان و ادب فارسی. شماره ۶۰.
- هروی، نجیب مایل. (بی‌تا) سیاه موی، لیتان و مریم. مرکز معلومات افغانستان در پوهنتون کابل (ACKU)
- هروی، نجیب مایل. (۱۳۷۱). تاریخ و زبان در افغانستان. مجموعه‌ی انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی - فرهنگی و اجتماعی. شماره ۱۴. تهران: شرکت سهامی عام.
- هروی، مایل و گروه تصحیح متون معارف اسلامی. (۱۳۷۳). مجموعه رسایل فارسی. دفتر سوم. مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- هروی، نجیب مایل. (۱۳۷۸). سایه به سایه (دفتر مقاله‌ها و رساله‌های عرفانی، ادبی و کتاب‌شناختی) تهران: نشر گفتار.